

وقف‌نامه تعمیر طاق قرآن و قرآن هفده‌من

محمدصادق میرزاابوالقاسمی^۱

چکیده

در حال حاضر، سند وقف‌نامه‌ای در دست است که بخشی از موقوفه مندرج در آن به موضوع تعمیر طاق قدیمی قرآن شیراز و نسخه قرآن روی آن، موسوم به «قرآن هفده‌من»، اختصاص یافته است. این سند، با توجه به تخریب کامل طاق قرآن در دوران پهلوی اول و فقدان اسناد و اطلاعات مکفی از آن، حائز اهمیت فراوان است و بررسی آن می‌تواند، غیر از مباحث مربوط به سنت حسنه وقف، در مطالعات فرهنگ عامیانه و تاریخ محلی نیز مفید واقع شود. از همین رو، هدف این مقاله بررسی و شناخت ابعاد تاریخی و شرعی وقف‌نامه تعمیر طاق قرآن و قرآن هفده‌من، به همراه بررسی مشخصات ظاهری و بازخوانی متن آن خواهد بود. مقاله پیش رو با ماهیت و روش تحقیق تاریخی-تحلیلی، و بر مبنای گردآوری اطلاعات به روش میدانی و کتابخانه‌ای نوشته شده است. بررسی محتوای این وقف‌نامه نشان می‌دهد موقوفه کُرآباد باغچه کوچکی در دامنه کوه سمت غربی طاق قرآن و در حدود فعلی صفا آرامگاه خواجوی کرمانی و تکیه مشرقی بوده است. با توجه به تاریخ تخریب طاق قدیمی قرآن، به احتمال زیاد از عواید این موقوفه هیچ‌گاه برای تعمیر طاق قرآن و قرآن هفده‌من استفاده نشده است. حدود این موقوفه نیز در محوطه‌سازی آثار تاریخی مذکور محو شده است.

واژه‌های کلیدی: اسناد شرعی، وقف‌نامه، طاق قرآن، قرآن هفده‌من، شیراز

۱. استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز. (mirzaabolghasemi@shirazu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۵ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۴/۹

مقدمه

دروازه قرآن یکی از مشهورترین آثار تاریخی شیراز است. این بنا در ابتدای ورودی شمالی شهر، در میان تنگ الله‌اکبر، قرار گرفته و ساختمان فعلی آن در حدود ۷۰ سال پیش احداث شده است. با این حال، سابقه تاریخی بنای اولیه آن - که بیشتر با عنوان «طاق قرآن» شناخته می‌شود - به هزار سال پیش از این بازمی‌گردد و به عضدالدوله دیلمی (حک. ۳۲۸-۳۷۲ ق.) منسوب است. همان طور که می‌دانیم، تا پیش از تخریب کامل بنای قدیمی دروازه قرآن یا همان طاق قرآن در دوران پهلوی اول، نسخه مشهور و متبرک قرآن هفده‌من در این مکان نگهداری می‌شد. وجه تسمیه قرآن هفده‌من به ابعاد بزرگ و حجیم و وزن سنگین آن مربوط می‌شود. خط آن نیز به ابراهیم سلطان تیموری (حک. ۸۱۷-۸۳۸ ق.) منسوب است. با این حال، ظاهراً این قرآن در دوران کریم خان زند (حک. ۱۱۶۳-۱۱۹۳ ق.) بر روی طاق قرآن قرار گرفته است. کریم خان زند در دوران حکومت خود در شیراز این طاق را تعمیر کرد و متعلقاتی بدان افزود، از جمله اتاقی بر بالای طاق قرآن تعبیه کرد تا محل مخصوص نگهداری از قرآن هفده‌من باشد.^۱ مجموعه این اقدامات موجب جلب توجه افزون‌تر به طاق قرآن و قرآن هفده‌من در دوران قاجار و پهلوی اول شد و بازتاب این موضوع در سفرنامه‌ها و اسناد و متون تاریخ محلی این دوران مشهود و قابل ردیابی است.

در غالب تحقیقاتی که به معرفی و بررسی آثار تاریخی شیراز مربوط می‌شود از طاق یا دروازه قرآن سخن رفته است. با این حال، اطلاعات این منابع بیشتر با اتکا بر طاق فعلی قرآن نوشته شده و در ضمن آن به طور اختصار از ویژگی‌های تاریخی و مشخصات ظاهری طاق قدیمی قرآن و قرآن هفده‌من صحبت شده است. شیراز در گذشته و حال، بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، تاریخ بافت قدیمی شیراز، و اقلیم پارس از جمله مشهورترین این منابع است.^۲ مرحوم علی سامی نیز گزارش شایان توجهی از

۱. نک. علی‌نقی بهروزی، (۱۳۴۹)، بناهای تاریخی و آثار جلگه شیراز، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس، ص. ۹۰.

۲. نک. حسن امداد، (۱۳۴۰)، شیراز در گذشته و حال، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، ص. ۱۹۳؛ کرامت‌الله افسر، (۱۳۷۴)، تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص. ۲۶۷-۲۶۶؛

چگونگی تخریب طاق قرآن و انتقال قرآن هفده من به موزه‌ی پارس به دست داده است.^۱ همچنین نگارنده در مقاله‌ای به ویژگی‌های نسخه‌شناسی قرآن هفده من پرداخته و به ویژه موضوع وزن و وجه تسمیه این قرآن را بررسی کرده است.^۲

یکی از اسناد نویافته و شایان توجه در این باره وقف‌نامه‌ای است که ما از آن به «وقف‌نامه تعمیر طاق قرآن و قرآن هفده من» تعبیر می‌کنیم.^۳ این سند هم از حیث حدود و شرعیات سنت حسنه وقف، و هم از منظر فرهنگ عامیانه و تاریخ محلی فارس حائز اهمیت است. همچنین می‌تواند در حوزه نسخه‌شناسی قرآن هفده من و تاریخ و تحولات معماری طاق قرآن مورد استفاده قرار گیرد. این وقف‌نامه تاکنون معرفی نشده و کاملاً ناشناخته بوده است. در سازمان اوقاف و امور خیریه فارس نیز هیچ‌گونه سندی مرتبط با این موضوع وجود ندارد. به نظر می‌رسد چون بنای جدیدالاحداث دروازه قرآن ابتدا زیر نظر اداره فرهنگ و هنر فارس قرار داشته و سپس اداره‌ی آن به شهرداری شیراز واگذار شده، موضوع وقفیات احتمالی بنای قدیمی آن نیز مطلقاً مطرح و دنبال نشده باشد. به هر صورت، موضوع این مقاله معرفی، بازخوانی و بررسی وقف‌نامه مذکور و تحلیل اطلاعات موجود در آن با استفاده از سایر منابع به روش تاریخی-تحلیلی، و بر مبنای گردآوری اطلاعات به روش میدانی و کتابخانه‌ای خواهد بود. همچنین در این مقاله سعی شده تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- مشخصات ظاهری وقف‌نامه طاق قرآن و قرآن هفده من چیست؟
- محتوای وقف‌نامه با شواهد تاریخی موجود تا چه میزان مطابقت دارد؟

محمدتقی مصطفوی، (۱۳۸۲)، *اقلیم پارس*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص. ۵۱؛ *بناهای تاریخی و آثار جلگه شیراز*، ص. ۸۹-۹۵.

۱. علی سامی، (۱۳۶۳)، *شیراز شهر جاویدان*، شیراز: نوید شیراز، ص. ۵۳۰.

۲. محمدصادق میرزاابوالقاسمی، (۱۳۸۹)، «قرآن هفده من»، *نامه بهارستان*، ش. ۱۷، ص. ۲۳۳-۲۳۵.

۳. این سند در سال ۱۳۹۰ به سازمان اسناد و کتابخانه ملی فارس واگذار و به شماره‌ی ۶۹۲ ثبت شده است.

درباره طاق قرآن و قرآن هفده‌من

همان طور که پیش از این نیز گفته شد، طاق قرآن در یکی از مشهورترین گذرگاه‌های ورودی شیراز موسوم به تنگ الله‌اکبر واقع شده و قدمت اولیه آن به دروان حکومت آل بویه در فارس می‌رسد. با این حال، اطلاعات مکتوب از وجود این طاق به سده‌های اخیر بازمی‌گردد. گزارش‌های پراکنده‌ای که در منابع تاریخ محلی یا سفرنامه‌های سیاحان از این مکان به دست آمده نیز بیشتر ناظر بر مطالبی کلی است. مثلاً در کتاب *ایران و قضیه ایران* آمده است:

انتهای این گردنه به وسیله دروازه طاق‌داری از یک طرف تا طرف دیگر کوه بسته شده بود. این دروازه ویران شده بود تا زکی خان، که در سال ۱۸۲۰ م. وزیر اعظم شیراز بود، به تعمیر آن همت گماشت. در بالای دروازه اطاقکی است که در آنجا بر میزی که با محجر چوبی احاطه گردیده است نسخه سنگین و عظیم یک مجلد قرآن است.^۱

یا ادوارد براون که در فصل بهار از تنگ الله‌اکبر گذشته بود درباره این مکان گفته است: «ما از زیر طاقی موسوم به طاق قرآن عبور کردیم و در آنجا قرآنی است که هفده‌من وزن دارد و می‌گویند هر گاه یک ورق از آن را وزن کنند باز هفده‌من است.»^۲

قرآن مذکور در دو مجلد با ابعاد ۴۸ × ۷۲ سانتی‌متر کتابت شده است و جلد اول آن شامل پانزده جزء نخست قرآن تا آیه بیست‌ویکم سوره کهف است. جلد دوم نیز از ادامه همین آیه از پشت برگ اصلی قرآن آغاز می‌شود. همچنین متن اصلی قرآن به قلم محقق درشت و با مرکب سیاه نگاشته شده است. بررسی وضعیت فعلی قرآن هفده‌من نشان از آن دارد که اوراق آن در دوران مختلف مرمت و اغلب بازنویسی شده است. جلدها نیز جدیدتر از خود نسخه هستند و جنس آنها از تیماج سرخ و بدون نقش است که بر مقوای نسبتاً

۱. جرج کرزن، (۱۳۴۹)، *ایران و قضیه ایران*، ج. ۲، تصحیح غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ص. ۱۱۵.

۲. ادوارد گرانویل براون، (۱۳۴۴)، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه‌ی ذبیح‌الله منصور، تهران: کانون معرفت، ص. ۲۳۹.

ضخیم کشیده شده است. به نظر می‌رسد مکان نامناسب نگه‌داری قرآن و بازدیدهای متوالی از آن علت اصلی آسیب‌های وارده بر این کتاب در دوران مختلف بوده است.^۱ از طرفی، وجه تسمیه قرآن هفده‌من به ابعاد بزرگ و وزن سنگین آن مربوط می‌شود. این نسخه جزو معدود نمونه‌هایی است که در تمدن اسلامی به وزن خود شهره شده است. چنان که در فرهنگ عامیانه در باب اعجاز آن گفته‌اند که هر برگگی از این قرآن وزنی برابر با کل قرآن داشته است.^۲ خط این قرآن نیز به ابراهیم سلطان تیموری (حک. ۸۱۷-۸۳۸ ق.) منسوب است. ابراهیم سلطان از خوشنویسان و حامیان مشهور عهد تیموری است. او که دوران اصلی حیات و حکومت خود را در شیراز گذرانید به کتابت در ابعاد بزرگ و کتیبه‌نویسی بسیار مشهور بود و اغلب تذکره‌نویسان خط او را با این خصوصیت معرفی کرده‌اند.^۳ کتیبه‌های علی بن حمزه (ع) و کاخ تچر مشهورترین نمونه‌های موجود از این قول تاریخی است.^۴ همچنین دو مصحف منتخب‌السور از او در دست است که با ابعادی نزدیک به قرآن هفده‌من نوشته شده است.^۵ با این همه در نسبت خط قرآن هفده‌من به ابراهیم سلطان تردیدهایی نیز وجود دارد.^۶

مشخصات ظاهری وقف‌نامه

این سند به شکل طوماری است و ابعاد کلی آن حدود ۲۱×۱۸۵ سانتی‌متر می‌شود. کاغذ

۱. «قرآن هفده‌من»، ص. ۲۳۳-۲۳۵.

۲. برای مثال، نک. *ایران و قضیه ایران*، ص. ۱۱۵؛ *یک سال در میان ایرانیان*، ص. ۲۳۹.

۳. قاضی احمد قمی، (۱۳۸۳)، *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری، ص. ۳۰-۳۱.

۴. نک. محمدصادق میرزا ابوالقاسمی، (۱۳۸۸)، «ابراهیم سلطان و کتیبه‌نگاری»، *صفه*، ش. ۴۹، ص. ۳۰-۳۱.

۵. مهدی صحراگرد، (۱۳۸۷)، *مصحف روشن*، تهران: فرهنگستان هنر، ص. ۳۸-۴۱.

۶. نک. احمد گلچین‌معانی، (۱۳۴۷)، *راهنمای گنجینه قرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی، ص. ۱۳۸؛ محمدصادق میرزا ابوالقاسمی، (۱۳۹۶)، *مصحف ابراهیم: منتخب سوره‌های قرآن کریم به خط ابراهیم سلطان*، شیراز: دانشنامه فارس.

۶. مهدی بیانی و مهدی بهرامی، (۱۳۲۸)، *راهنمای گنجینه قرآن در موزه ایران باستان*، تهران: اداره باستان‌شناسی، ص. ۲۲؛ «قرآن هفده‌من»، ص. ۲۳۴.

این سند نخودی رنگ و جنس آن مشابه کاغذهای معمولی مورد استفاده در امور دیوانی این دوران است. جدول‌کشی ساده روی این کاغذ نیز پیش از کتابت صورت پذیرفته و متن وقف‌نامه با مرکب سیاه و خط نستعلیق در میان آن جای گرفته است. حاشیه سفید کاغذ تا لبه جدول از سمت راست حدود ۷ سانتی‌متر و از سمت چپ کمتر از ۳ سانتی‌متر است. عرض سطرهای کتابت‌شده نیز حدوداً ۱۰ سانتی‌متر و فاصله صدر کاغذ تا سطر اول ۲۳ سانتی‌متر و فاصله میان سطرها - غیر از سطر اول و دوم - از ۶/۵ تا ۳ سانتی‌متر متغیر است. کل این وقف‌نامه در ۳۶ سطر اصلی با فواصل منظم نوشته شده است. البته اطلاعات مربوط به حدود اربعه و مساحی زمین باغچه موقوفه، همچنین نحوه تقسیم عایدات حاصل از آن به ترتیب در فاصله سطور نهم و دهم، و دوازدهم و سیزدهم به صورت دوستونی و فشرده در چند سطر نوشته شده که علی‌القاعده باید به تعداد سطرهای مذکور اضافه شود. در حاشیه سمت راست سند و مجاور ابتدای سطور اول تا بیست‌وهفتم متن وقف‌نامه تعلیقه‌ای با مضمون تأکید بر صحت متن سند و مندرجات اصلی آن در یک سطر نوشته و شماره شده است. در همین حاشیه، مهر و سجالات ۲۱ نفر از شهود، به انضمام تمبر «دولت علیّه ایران» و مهر اوقاف فارس، دیده می‌شود. تصدیق و مهر دو تن از شهود دیگر نیز در جدول سرلوحه بالای سطر نخست سند درج گردیده است. یادداشت‌های شهود این سند به خط تحریری و شکل مهرهای آن - به استثنای چهار مورد - بیضی است. در حاشیه سمت دیگر این سند نیز اثر مهری با سجع «علی مع الحق» دیده می‌شود. این مهر بیضی شکل، که دو بار و بدون سجل در حاشیه تکرار شده، در ذیل یکی از یادداشت‌های صدر وقف‌نامه نیز دیده می‌شود.

در حال حاضر، بخش کوچکی از کاغذ ابتدای این سند افتاده است. این موضوع موجب افتادگی چند کلمه از یادداشت سمت چپ صدر سند گردیده است. چند قسمت دیگر از این سند نیز پارگی یا آسیب‌های جزئی دارد که البته تا اندازه‌ای ترمیم شده است. سطح پشت سند نیز با نوعی پارچه مشابه پارچه تنظیف به طور کامل پوشانده و تقویت شده است. از همین رو امکان بررسی اضافات احتمالی پشت سند وجود ندارد.

تحلیل تاریخی محتوای وقف‌نامه

نام واقف این وقف‌نامه قاید حسینعلی فرزند مرحوم قاید مراد است. او از اهالی نورآباد ممسنی و از «طایفه بکش اوتونی» بوده است. همان طور که می‌دانیم طایفه بکش یکی از طوایف بزرگ لره‌های ممسنی فارس محسوب می‌شود و استفاده از عبارت «قاید» در جلوی نام واقف و پدر او می‌تواند نشان از مرتبه آنها در میان این طایفه باشد. در این وقف‌نامه ضمن توضیح ترتیب متولیان آتی موقوفه از نوه برادر واقف نیز با نام «قاید غفار نواده مرحوم قاسمعلی» سخن رفته و در صورت قطع نسل واقف، تولیت موقوفه مذکور به اولاد او مفوض گردیده است. به نظر می‌رسد این وقف‌نامه در دوران پیری واقف تنظیم شده باشد.

با توجه به درج عبارت «ثبت و ضبط محکمه محکمه شرعیه علیه عالیه شد» در ذیل یادداشت تصدیقی حاشیه سمت راست سند، می‌توان احتمال داد که این وقف‌نامه در محکمه سلسله شیخ‌الاسلامیه شیراز تنظیم و ثبت شده باشد. این محکمه، که با عناوین «محکمه اسلامیه» و «محکمه اسلامیه امامیه» و نظایر آن شناخته می‌شود، مهم‌ترین و سابقه‌دارترین محاکم شرع شیراز در دوران قاجار بوده است.^۱ صاحب فارسنامه ناصری در ذکر اعیان و بزرگان محله بازار مرغ مقدمتاً از این خاندان نام می‌برد و می‌نویسد:

اصل آنها از قبیله تمامی احسا و قطیف است. از اواخر سلطنت صفویه - طاب تراهم - تاکنون که سال به ۱۳۰۴ رسیده است قبایجات شرعیه معتبره املاک و ضیاع و عقار و اسناد شرعیه اهالی مملکت فارس به خط و مهر بزرگان این سلسله زینت یافته است و از اهتمام و دقت فکر و تکرار نظر در عبارات قبایجات و احکام شرعیه از عهد قدیم تاکنون خدشه و خللی، ناسخ و منسوخ، تدلیس و تدلیسی، در محکمه اسلامیه منتسب به این سلسله دیده و شنیده نگشته است.^۲

۱. امید رضایی، (۱۳۸۶)، «بررسی و تحلیل مهرهای بی‌یادداشت در قبایله‌های دارالعلم شیراز»، وقف میراث جاویدان، ش. ۶۰، ص. ۲۷-۲۸.
۲. میرزا حسن حسینی فسایی، (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، ج. ۲، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ص. ۹۲۱.

فرصت‌الدوله نیز مشابه همین تعاریف را ضمن معرفی باغ شیخ از این خاندان بیان می‌کند.^۱ پیش از این و بر اساس اسناد موجود، فعالیت محکمه اسلامی شیراز تا سال ۱۳۱۵ ق. محرز شده بود.^۲ این تاریخ با زمان تألیف آثار عجم (حدود ۱۳۱۳ ق.) نزدیک است و بنا بر اظهار فرصت‌الدوله در این اوقات حاجی شیخ محمدحسین شیخ‌الاسلام مسند قضاوت و شرع را در این محکمه بر عهده داشت و فرزند او، شیخ محمدباقر، نایب پدر در امور مربوط بود.^۳ در عین حال، این وقف‌نامه نشان می‌دهد که لااقل تا حدود ۴۰ سال بعد از این تاریخ نیز محکمه اسلامی شیراز هنوز پابرجا بوده است. با توجه به تاریخ تولد شیخ محمدباقر - ۱۲۷۸ ق.^۴ - محتمل است او در هنگام تنظیم و تصدیق این وقف‌نامه هنوز متولی محکمه مذکور بوده باشد، هرچند مهر یا سجل او بر روی این سند دیده نمی‌شود. از طرفی، مطابق شیوه متداول تنظیم و تصدیق اسناد شرعی در محاکم شرع شیراز، یادداشت سمت چپ صدر این سند باید متعلق به مصدق وقف‌نامه باشد. همان‌طور که پیش از این نیز آمد، ذیل این یادداشت مهری با سجع «علی مع الحق» دیده می‌شود که دو بار دیگر نیز در حاشیه این سند تکرار شده است. بنابراین این مهر و یادداشت نیز می‌تواند متعلق به یکی از اشخاص خاندان شیخ‌الاسلامیه شیراز باشد.^۵

موضوع این وقف‌نامه اختصاص منافع و مداخل سه دانگ از کل شش دانگ «باغچه کُرآباد» به دو منظور مشخص است: یکی مصارف تعزیه‌داری و سوگواری امام حسین (ع) و علی‌الخصوص حضرت ابوالفضل عباس (ع) در ایام عاشورا؛ و دیگری مصارف تعمیر و

۱. محمدنصیر فرصت شیرازی، (۱۳۷۷)، آثار عجم، ج. ۲، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ص. ۸۳۸-۸۴۰.

۲. نک. امید رضایی، (۱۳۸۵)، «سلسله‌ی شیخ‌الاسلامیه‌ی تمامی شیراز پیشگام در ثبت نوشتجات شرعی‌ی دوره‌ی قاجار»، وقف میراث جاویدان، ش. ۵۴، ص. ۷۷-۹۴.

۳. آثار عجم، ص. ۸۳۸-۸۴۰.

۴. فارسنامه ناصری، ص. ۹۲۳.

۵. نام برادران کوچک‌تر شیخ محمدباقر به ترتیب شیخ محمدعلی، شیخ ابوالقاسم، شیخ عبدالحسین، و شیخ عبدالعلی بوده است (همان، ص. ۹۲۴). آیا ممکن نیست این یادداشت و مهر متعلق به عبدالعلی، کوچک‌ترین برادر شیخ محمدباقر، باشد که به رسم موروثی در محکمه‌ی اسلامی‌ی شیراز مشغول به کار بوده و در هنگام تنظیم این وقف‌نامه حدود ۵۰ سال سن داشته است؟

ترمیم طاق قرآن و متعلقات آن. بر اساس محتوای این وقف‌نامه، یک سهم از سه سهم متساوی عواید این موقوفه برای موضوع اخیر منظور شده و در شرح آن آمده «متولی مذکوره به اطلاع و بازدید ارباب خبرت و بصیرت صرف تعمیر و ترمیم ضروریه طاق و بقعه و مخارج صندوق و معجر و تذهیب و صحافی قرآن محمدی (ص) نمایند».

منظور از «بقعه» در این بخش از وقف‌نامه همان اتاق فوقانی طاق قرآن است. این اصطلاح سه بار همراه با طاق قرآن در این سند تکرار گردیده است. برخی منابع تاریخی دوران قاجار نیز از این اتاق با این عنوان یاد کرده و در یکی از یادداشت‌های حواشی اوراق پایانی مجلد دوم قرآن هفده‌من نیز از «بقعه مبارکه» سخن رفته است.^۱ همان طور که پیش از این نیز گفته شد، ساخت اتاق روی طاق قرآن به دوران کریم خان زند بازمی‌گردد. احداث این اتاق به حسینعلی میرزا فرمانفرما و پیشکار او محمدزکی خان نوری نیز نسبت داده شده است.^۲ به هر صورت، این اتاق محل مخصوص نگهداری قرآن هفده‌من بوده و عامه مردم شیراز، همین طور مسافران و رهگذران مسیر تنگ الله‌اکبر، به انگیزه زیارت و تبرک این قرآن بدانجا می‌شتافتند. برخی سیاحان دوران قاجار وصفی از درون این اتاق به دست می‌دهند که می‌تواند با مطالب این وقف‌نامه تطبیق داده شود. از جمله جرج کرزن می‌گوید قرآن هفده‌من بر روی میزی قرار داشت و اطراف آن با معجری چوبی بسته بود.^۳ احتمالاً این میز همان صندوقی باشد که معصوم‌علی شاه شیرازی نیز از آن یاد می‌کند.^۴ حاجی بیرزاده نیز در ابتدای سفرش به شیراز صندوق قرآن را دیده بود. او همچنین از رحلی گفته است که قرآن هفده‌من را بر آن می‌گذاشتند.^۵ شرح عمادالسلطنه از این موضوع

۱. روی برگ ۲۹۵.

۲. علی‌اکبر نواب شیرازی، (۱۳۷۱)، تذکره دلگشا، تصحیح منصور رستگار فسایی، شیراز: نوید شیراز، ص. ۲۶۵.

۳. ایران و قضیه ایران، ص. ۱۱۵.

۴. محمد معصوم شیرازی، (۱۳۴۵)، طرائق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: کتاب‌فروشی بارانی، ص. ۴۹۴.

۵. بیرزاده نائینی، محمدعلی، (۱۳۶۰)، سفرنامه حاجی بیرزاده، به کوشش حافظ فرمانفرماییان، تهران: بابک، ص. ۳۱.

نیز بسیار شایان توجه و روشنگر است، علی‌الخصوص که او در ۱۳۴۳ ق.، یعنی یک سال قبل از تنظیم این وقف‌نامه، از طاق قرآن بازدید کرده است:

بالای این طاق بزرگ یک اتاقی است که میان آن اتاق داخل ضریح چوبی صندوقی است که میان صندوق قرآنی [است] که می‌گویند هفده‌من وزن دارد. من بالا رفتم. در اتاق قفل بود. به یک قهوه‌چی کنار نهر رکن‌آباد گفتم، او زنی را از پایین صدا زد. بیرهن متولی بالا آمد درب اتاق را باز کرد، بعد درب ضریح و خودش داخل شد که درب صندوق را باز کند. اما سقف ضریح چوبی کوتاه بود چنان که با اشکال تمام توانست درب صندوق را باز کند و با کمک من دو جلد قرآن بزرگ را بیرون بیاورد.^۱

از این اوصاف چنین برمی‌آید که اتاق بالای طاق قرآن، محفظه‌ای مشبک‌مانند از جنس چوب، مشابه معجزه‌های مخصوص بقاع بزرگان دین و طریقت، داشته و قرآن هفده‌من درون صندوقی میان آن بوده است. بنابراین مقصود از صرف مخارج معجر و صندوق قرآن در این وقف‌نامه کاملاً روشن است و البته علت اطلاق «بقعه» به این اتاق با این ترتیبات معلوم خواهد بود.

در این وقف‌نامه عیناً اصطلاح «قرآن هفده‌من» به کار نرفته، اما بدون تردید منظور از «تذهیب و صحافی قرآن محمدی» همین قرآن بوده است. همان طور که گفته شد، نسخه قرآن هفده‌من در دو مجلد نوشته و صحافی شده است و هر کدام از جلدها نیمی از قرآن را شامل می‌شود. از بررسی دقیق اوراق این قرآن حداقل پنج مرحله ترمیمی را می‌توان تشخیص داد که دو نوبت مهم آن به دوران قاجار مربوط می‌شود - همان زمانی که قرآن هفده‌من در طاق قرآن محفوظ بود. بر طبق انجامه‌های موجود در قرآن هفده‌من این مرمت‌ها به ترتیب در حدود ۱۲۸۷ ق. و ۱۳۳۰ ق. انجام پذیرفته است.^۲ تاریخ این مرمت‌ها به پیش از تاریخ تنظیم وقف‌نامه مذکور بازمی‌گردد، و به نظر نمی‌رسد هیچ‌گاه

۱. عمادالسلطنه، (۱۳۸۹)، «روزنامه خاطرات (۱۳۴۳ ق.)»، در «پاره‌های نسخه‌شناسی»، به کوشش ایرج افشار، نامه بهارستان، ش. ۱۷، ص. ۲۲۰.

۲. «قرآن هفده‌من»، ص. ۲۳۴.

از محل عواید این موقوفه برای تعمیر قرآن هفده من هزینه شده باشد. تاریخ دقیق تنظیم این وقف‌نامه یازدهم شوال ۱۳۴۴ ق. (اردیبهشت ۱۳۰۵ شمسی) است. تقریباً ده سال بعد از این تاریخ طاق قرآن به بهانه تعریض و گسترش جاده شمالی شیراز به طور کامل تخریب شد و قرآن هفده من به موزه پارس منتقل گردید.^۱ از این تاریخ به بعد دیگر طاقی در تنگ الله‌اکبر وجود نداشت تا اینکه در سال ۱۳۲۷-۱۳۲۸ شمسی دروازه فعلی قرآن ساخته شد. از این پس دروازه قرآن به عنوان یک بنای دولتی در اختیار اداره کل فرهنگ و هنر فارس و شهرداری شیراز قرار گرفت و عملاً اداره امور مربوط به آن تغییر کرد. با این حساب، معلوم نیست که عواید مخصوص تعمیر طاق قرآن و قرآن هفده من از موقوفه باغچه کُرآباد چگونه و کجا هزینه شده است.

مطابق متن وقف‌نامه، زمین باغچه کُرآباد نزدیک طاق قرآن و سمت غربی آن قرار داشته است. در این سمت رشته کوهی وجود دارد که اصطلاحاً «کوه صبوی» نامیده می‌شود. صفه مشرقی و مقبره خواجوی کرمانی از جمله مهم‌ترین آثار تاریخی موجود در دامنه این کوه است که کاملاً بر تنگ الله‌اکبر و طاق قرآن مشرف است. ظاهراً محل باغچه کُرآباد نیز در همین محدوده بوده است. طول این باغچه درست از راستای دیوار طاق سابق قرآن تا آسیاب موسوم به «حاجی میرزا محمدعلی» ادامه داشته است. می‌دانیم که مکان طاق قدیمی قرآن از طاق فعلی مقدار کمی فاصله داشته^۲ و بقایای برج آسیاب مذکور نیز هنوز موجود است. از اظهارات شهود در حاشیه این وقف‌نامه چنین برمی‌آید که واقف شخصاً با تسطیح بخش‌هایی از دامنه این کوه و غارسی آن باغچه کُرآباد را احداث کرده است. اساساً دامنه این کوه متشکل از صفه‌هایی کم‌عرض و غیرمنظم است که بخشی از آنها به صورت مصنوعی ایجاد شده است. یکی از این صفه‌ها که شامل چند باغچه کوچک و همجوار با مدفن خواجوی کرمانی بود سابقاً به نام «حسین‌آباد» شناخته می‌شد.^۳ کُرآباد نیز باید اصطلاحی مشابه برای نمونه‌ای دیگر از این صفه‌ها و باغچه‌های کوچک باشد. به نظر

۱. نک. شیراز شهر جاویدان، ص. ۵۳۰؛ اقلیم پارس، ص. ۵۱.

۲. همان.

۳. بهمن کریمی، (۱۳۴۴)، راهنمای آثار تاریخی شیراز، تهران: اقبال، ص. ۱۶.

می‌رسد در ضمن اقدامات اداره فرهنگ و هنر فارس و انجمن آثار ملی به ترتیب در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۳۷ شمسی حدود اصلی باغچه مذکور در محوطه‌سازی اطراف آرامگاه خواجهی کرمانی و تکیه مشرقی از بین رفته باشد.^۱

همچنین در راهنمای آثار تاریخی شیراز از بقایای طاق و رواق و محرابی در این محوطه سخن رفته که قطعاً غیر از طاق و محراب تکیه مشرقی است.^۲ ممکن است این طاق و محراب بقایای همان «مسجد حسن انجیری» باشد که در وقف‌نامه طاق قرآن ذکر شده است. البته باید در نظر داشت که در همین محدوده دخمه‌های طبیعی متعددی وجود دارد که سابقاً یا محل سکونت بوده یا برای عبادت و چله‌نشینی عرفا استفاده می‌شده است. بر دیوار برخی از این مکان‌ها محراب وجود داشته است. بنابراین هر کدام از این دخمه‌ها نیز می‌توانست نقش یک مسجد کوچک را ایفا کند.

متن وقف‌نامه

غرض از تحریر و تسطیر این سطور میمنت مسطور و باعث بر تحریر این کلمات واضح البینات که زمرد (?) کلک دُر سلک می‌گردد و آثار صدق و صحت و راستی و درستی از وجوه عبارتش کالشمس فی الرابعة النهار واضح و لایح و هویدا است ذکر و بیان این مطالب و مدعاست آنکه در محضر شریعت‌گستر و حضور شرافت‌اثر اولیاء شرع مطاع لازم‌الاتباع انور عالی به دارالعلم شیراز جنت‌طراز حضور بهم رسانید عالی حضرت ستوده خصلت عزت و سعادت همراه مناعت‌دستگاه قاید حسینعلی - زید مجده - ولد مرحوم مغفور جنت‌مکان قاید مراد لر ممسنی من طایفه بکش اوتونی نورآبادی و در حالت صحت بدن و جواز اقرار شرعیه عالمه عامداً بدون توطئه^۳ و توریه و تدلیس و تلبیس و حیل شرعیه دون الاکراه

۱. نک. بناهای تاریخی و آثار جلگه شیراز، ص. ۹۴-۹۸؛ شیراز شهر جاویدان، ص. ۵۳۱-۵۳۲.

۲. راهنمای آثار تاریخی شیراز، ص. ۱۴.

۳. اصل: طوطه

والاجبار بل بالطَّوع والرَّغْبَة والاخْتِيار موازی سه دانگ شایع وافی از کل شش دانگه یک باب باغچه جدیدالاحیاء والاحداث ملکی متصرفی خود را که سال‌های سال است با کد یمین و عرق جبین و دست‌رنج شخص شخیص خود احیاء و احداث نموده معینه مشخصه معلومه در طرف مغربی طاق قرآن شیراز جنت طراز و موسومه به باغچه کُرآباد اعم از آنچه را که تاکنون و هذه السَّاعه موفق شده و ساخته و پرداخته است از حیث احداث باغچه و غرس اشجار و بنیان اطاق و غیره، و آنچه را که الی من بعد و حین فوت احداث نماید مشتمله بر اراضی و اشجار و از هر قبیل بیوتات و جوی و جداول و جدران و حیطان و درب و درگاه و تلال و وهاد و شرب تابعه مرتبه بر آن از جدول رکنی به قدرالحصّه محدود به حدود اربعه و تفصیل در ذیل هذه السطر است:

از طرف شمال وصل به غار مغربین و محاذی دیوار سمت شمالی طاق قرآن الی رود خشک پشت طاق قرآن.

از طرف جنوب وصل به آسیای حاجی میرزا محمدعلی الی رود خشک. از طرف شرق متصل به رود خشک و پشت دیوار مسجد الی سنگ‌های سوراخ مال‌بند که واقف موصی الیه گذارده است. از طرف مغرب وصل به جدول رکن‌آباد که بالای سر باغچه طرف مغربی باغچه مذکوره در دامنه کوه واقع شده است.

وقف صحیح شرعی و حبس به مؤید ملی گردانید منافع و مداخل سه دانگ شایع وافی از کل شش دانگه یک قطعه باغچه فوق‌الذکر را بر مصارف تغزیه‌داری حضرت ابوالفضل العباس - علیه آلف التحیّه و الثناء - و مصارف تعمیر و ترمیم بقعه و طاق قرآن از قرار تفصیل در ذیل السطر و تولیت هر یک از موقوفات ذیل را تا حین حیوة به نفس [نفیس] خود واگذار نمود و بعد از فوت خود منافع و مداخل دو دانگ شایع وافی از کل شش دانگه یک قطعه باغچه فوق‌الذکر وقف بر تغزیه‌داری حضرت عباس -

علیه السلام - است.

منافع و مداخل یک دانگ شایع وافی از کل شش دانگه یک قطعه باغچه سیدگر وقف بر تعمیر و ترمیم بقعه و طاق قرآن شیراز است. و بعد از فوت خود تولیت را واگذار نمود به اسن و ارشد اولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل به شرط تقدم بطن اعلى بر اسفل و در صورت عدم اولاد ذکور به اسن و ارشد اولاد اناث خود نسلاً بعد نسل و - نعوذ بالله - در صورت فقدان و عدم و قطع نسل خود تولیت را واگذار به عالیجاه قاید غفار نواده مرحوم قاسمعلی برادر واقف موصی الیه نمود و پس از فوت مشارالیه تولیت مختص به اولاد ذکور مشارالیه نسلاً بعد نسل و در صورت عدم اولاد ذکور واگذار به اسن و ارشد اولاد اناث نسلاً بعد نسل و - العیاذ بالله - در صورت قطع نسل خود و فقدان اولاد مرحوم قاسمعلی و قاید غفار مذکورات فوق الذکر [منا]فع و مداخل سه دانگ موقوفه را در هر سنه از سنوات واگذار به دخالت شرعیه ازهد و اتقی مجتهدین جاز له الحکم دارالعلم شیراز می نماید که بر طبق مقررات و شروط و قیود و مندرجات در این وقفنامه معتبره رفتار فرماید. مقرر بر آنکه متولیان هر دوره و زمان عواید و فواید سه دانگ اعیان موقوفه را در هر سنه از سنوات جمع آوری نموده بعد از وضع عاید اخراجات ملکی و ملکی منافع موجوده از سه دانگ فوق الذکر را سه سهم متساوی نموده اولاً یک سهم از آن را متولی مذکوره به اطلاع و بازدید ارباب خبرت و بصیرت صرف تعمیر و ترمیم ضروریه طاق و بقعه و مخارج صندوق و معجر و تذهیب و صحافی قرآن محمدی (ص) نمایند و ثانیاً دو سهم دیگر را در ایام عاشورا صرف تعزیه داری و سوگواری حضرت خامس آل عبا به خصوص سقای دشت نینوا حضرت ابوالفضل عباس - علیه آلاف التحیه والثناء - نمایند و ضمن آن عقد شرط شرعی شد که متولیان هر دوره و زمان اعیان موقوفه را نفروشند و رهن نگذارند و متشرط (?) ندهند و به هیچ وجه از وجوه و

عقدی از عقود شرعی و عرفیه معامله و مبادله که موجب خسران و ضرر و یا از وقفیت خارج شدن بوده باشد نمایند و بیش از یک سال اجاره به کسی ندهند و به اشخاص ظاهرالصلاح و مؤمن و متدین به دین احمدی (ص) اجاره دهند و دخالت به هیچ وجه به اشخاص فاسق و ظلمه ندهند و پیوسته هم خود را مصروف به آبادی و رونق باغچه موقوفه نموده و از آبیاری و خدمات زراعتی در آن تغافل نورزند و نیز کمال مجاهدت را در استحفاظ یک قطعه سنگ که وقفیت اعیان موقوفه و تاریخ این قبالة را نشان می‌دهد و در دیوار باغچه موقوفه محاذی طاق مسجد حسن انجیری نصب است کوشیده و نگذارند سنگ مذکوره معدوم و منهدم شود و چنانچه به واسطه مرور و دهور آیام کلمات حجاری آن ریختگی پیدا کند متولی آن زمان به همین کلماتی که فعلاً حجاری شده ثانیاً حجاری کرده و به جای خود نصب کند که در معبر عمومی در نظر عابریین سیل بوده^۱ باشد و کان ذلک تحریراً فی یوم یازدهم شهر شوال المکرم من شهر سنه هزار و سیصد و چهل و چهار من الهجرة النبویه - صلی الله علیه و آله و سلم علی هاجرها و آلاف و الثناء و التحییه - مطابق و موافق سنه ترکیه [...]].

حاشیه

شرح حاشیه آنکه توضیحاً للیمین قلمی می‌شود که ترتیب تولیت از این قرار است: واقف مزبور تولیت را مفوض نمود مادام‌الحیوة به نفس نفیس خود و بعد از خود باسن و ارشد اولاد ذکور خود و بعد از فوت مطلق اولاد ذکور خود باسن و ارشد اولاد ذکور از اولاد ذکور خود هکذا ما تعاقبوا و تناسلوا به شرط بودن بطن اعلی بر اسفل و در صورت انقراض اولاد ذکور از نسل واقف یعنی انقراض اولاد ذکور از اولاد ذکور تولیت مفوض است به اسن و ارشد اولاد اناث بلاواسطه خود و بعد از آن به اولاد اناث از اولاد ذکور واقف و در صورت فقدان اولاد اناث از ذکور مفوض است به اولاد اناث از

۱. در اصل نسخه «بوده» تکرار شده است.

اناث هکذا ما تعاقبوا و تناسلوا نسلأ بعد نسل به شرط بودن بطن اعلی بر بطن اسفل و در صورت انقراض کلیه اولاد از نسل واقف تولیت مفوض است به عالیجاه قاید غفار ولد قاسمعلی که در متن مذکور است و در صورت فوت مشارالیه مفوض است تولیت به اولاد و اولادزاده غفار ولد قاسمعلی مذکور به ترتیبی که در همین سطر در طبقات اولاد و اولادزاده خود واقف مقرر شده است بدون تقیصه زیاده، و سایر آن به نحو متن است، من الیرد الی تختم، و صیغه وقف بر طبق مراتب متن و این سطر حاشیه جاری و ساری گردید و به عالیجاه توفیق آثار واقف خیر مواقع ... مدار اعیان موقوفه مذکوره نمود و به تصرف واقف داد و خود تولیت اعیان مزبور را متصرف گردید. فی تاریخ همین سنه متن.

نمره ۱۸، ثبت و ضبط مُحکمه مُحکمه شرعیه علیه عالیه شد.

نمره ۵۰۸، ۱۰/۱۱/۲۸ [۱۳]

[تمبر پنج قرانی وزارت مالیه دولت علیه ایران، همراه با مهر اوقاف فارس

[۱۳۰۴

سجلات و شهود^۱

۱

بسم الله تعالی

قد وقع الوقف بمحضری حسبما رقم فی المتن و الحاشیه الیمین بسطر الی السابع و العشرین من المتن --- بشرط تقدم بطن اعلی بر اسفل در آخر سطر سیزدهم و اصلاً --- --- --- --- سطور --- خود در یک سطر حاشیه محاذی اول سطر ---

۱. خواندن بخشی از عبارات مربوط به شهود در این وقفنامه به علت آسیب دیدن کاغذ، محو شدن اثر مداد و مرکب، یا ناخوانایی متن برای مؤلف مقدور نشده است. در این موارد از سه خط تیره برای هر کلمه‌ی از میان رفته و علامت سه نقطه برای کلمات خوانده نشده استفاده شده است.

| وقف نامه تعمیر طاق قرآن و قرآن هفده من | ۱۰۷

شهر شوال المکرم سنه هزار و سیصد و چهل و چهار

[امضا]

[مهر]: علی مع الحق.

۲

حسبی الله و نعم الوکیل

انا من الشاهدين سيد لطف الله ... خلف مرحمت (?) آقا سيد ... مراتب متن

اجمالاً صحیح است.

بتاریخ ...

[مهر]: الواثق بالله الغنی ... لطف الله الموسوی

۳

انا شاهد بذلك

[مهر]: عبده احمد الحمزوی الموسوی

۴

انا شاهد بذلك و كتبه بيد الحقير في هذه القبالة

اقل السادات محمود الحمزوی

[امضا]

۵

عالی شأن (?) عزت نشان پنجمی ...

[مهر]: عبده پنجمی

۶

عالیجناب سعادت نصاب (?) آقا سيد عبد الحمید ... آقا سيد لطف اله دلا..

بهم رسانید

[مهر]: عبد الحمید

۷

انا شاهد بذلك

[مهر]: فتح الله

۸

انا من الشاهدين الاقل سيد علي محمد (?)

[مهر]: ...

۹

شهد بذلك اقل ... نصرالله (?) ...

[مهر]: الراجي نصرالله

۱۰

شهد بذلك غير ماء ...

[مهر]

۱۱

این بنده اطلاع دارم که این باغچه از کد یمین و عرق جبین احداث شده

است و ملکی متصرفی خود ماست.

[مهر]: ادرکنی یا علی

۱۲

شهد بما فيه الحاج اسدالله پیشکار

[مهر]: اسدالله [پیشکار]

۱۳

شهد بما فيه اقل جمال الصالح

[مهر]: جمال الصالح (?) ---

۱۴

شهد بما فيه

اقل الحاج احمد شیرازی

۱۵

شهد بما فيه

آقا علی محمد بقال (؟) شهادت دارم که این باغچه کوه بوده که این شخص
زحمت کشیده.

۱۶

انا شاهد بذلک

بنده شهادت دارم که این باغچه کوه بوده این شخص زحمت کشیده است.

[امضا]

۱۷

انا شاهد بذلک

شهادت دارم که این باغچه کوه بوده حسینعلی زحمت کشیده است.

[مهر]: احمد آقا.

۱۸

شهد بذلک

بنده شهادت می‌دهم که از این باغچه که کوه بوده از عرق پیشانی پیدا کرده

و زنده شده.

[مهر]: حسام (؟) مراد.

۱۹

شهدت بذلک

بنده شهادت می‌دهم که از این باغچه که کوه بوده حسینعلی زحمت کشیده

است.

[مهر]: عبده ---

۲۰

شهدت بذلک

بنده شهادت می‌دهم که از این باغچه که کوه بوده حسینعلی زحمت کشیده

است.

[مهر]: ---

۲۱

شهادت بذلک

بنده شهادت می‌دهم که از این باغچه که کوه بوده حسینعلی زحمت کشیده است.

[مهر]: یا محمد

۲۲

شهادت بذلک

بنده شهادت می‌دهم که از این باغچه که کوه بوده حسینعلی زحمت کشیده است.

[امضا]: نصرالله

۲۳

اقل حاجی سید جلال شهادت دارم که این باغچه را حسینعلی زحمت کشیده و ساخته است.

حاجی سید جلال

[مهر]: جلال ---.

نتیجه‌گیری

اختصاص عواید یک موقوفه برای تعمیر طاق قرآن و متعلقات آن در میان اطلاعات مطرح و موجود از این بنای مشهور تقریباً بی‌سابقه است. این موضوع متأثر از جایگاه و اهمیتی است که این بنا در دوران قاجار و اوایل پهلوی نزد عامه مردم شیراز پیدا کرده بود. تا پیش از این و به طور معمول، برخی حکام و رجال شیراز در تعمیر این طاق و احیاناً قرآن هفده‌من نقش داشتند. با این حال واقف این موقوفه از اهالی محلی، و موقوفه مذکور باغچه‌ای همجوار طاق قرآن بوده است. بنابراین می‌توان این وقف‌نامه و ماهیت فرهنگی و شرعی آن را فارغ از مناسبات رسمی و حکومتی تصور کرد. نکاتی که به طور ضمنی از جزئیات معماری طاق قرآن در این وقف‌نامه ذکر شده نیز کاملاً با اطلاعات تاریخی موجود

از این طاق مطابق است، و نشان می‌دهد که لااقل از دوران قاجار قرآن هفده‌من در اتاق بالای طاق قرآن در میان معجر و درون صندوق چوبی مخصوصی نگهداری می‌شده است. این وقف‌نامه - مطابق حواشی و اضافات روی آن - در همان ایام متعاقباً در یکی از معتبرترین محاکم شرعی شیراز موسوم به «محکمه اسلامی» و اداره اوقاف و معارف فارس ثبت شده است. با این حال، به نظر نمی‌رسد از عواید این موقوفه برای تعمیر طاق قرآن و قرآن هفده‌من هزینه شده باشد. علت اصلی این موضوع تخریب کامل طاق قرآن و انتقال قرآن هفده‌من به موزه پارس به فاصله کوتاهی بعد از تاریخ تنظیم این سند بوده است. همچنین هیچ نشانه‌ای مبنی بر تعمیر قرآن هفده‌من در فاصله میان تاریخ مندرج در وقف‌نامه و تخریب طاق قرآن وجود ندارد. بنابراین اجرای این بخش از وقف‌نامه عملاً موقوف و منتفی شده است. همچنین باغچه مذکور در محوطه‌سازی اطراف مقبره خواجوی کرمانی و تکیه مشرقی تخریب و جذب ساختار جدید شده است.

منابع و مآخذ

- افسر، کرامت‌الله، (۱۳۷۴)، *تاریخ بافت قدیمی شیراز*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امداد، حسن، (۱۳۴۰)، *شیراز در گذشته و حال*، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس.
- براون، ادوارد گرانویل، (۱۳۴۴)، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: کانون معرفت.
- بهروزی، علی‌نقی، (۱۳۴۹)، *بناهای تاریخی و آثار جلگه شیراز*، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس.
- بیانی، مهدی، و مهدی بهرامی، (۱۳۲۸)، *راهنمای گنجینه قرآن در موزه ایران باستان*، تهران: اداره باستان‌شناسی.
- پیرزاده نائینی، محمدعلی، (۱۳۶۰)، *سفرنامه حاجی پیرزاده*، به کوشش حافظ فرمانمائی‌بان، تهران: بایک.
- حسینی فسایی، میرزا حسن، (۱۳۸۲)، *فارسانامه ناصری*، ج. ۲، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- رضایی، امید، (۱۳۸۵)، «سلسله شیخ الاسلامیه تمامی شیراز پیشگام در ثبت نوشتجات شرعیه دوره قاجار»، *وقف میراث جاویدان*، ش. ۵۴، ص. ۷۷-۹۴.
- رضایی، امید، (۱۳۸۶)، «بررسی و تحلیل مهرهای بی‌یادداشت در قباله‌های دارالعلم شیراز»، *وقف میراث جاویدان*، ش. ۶۰، ص. ۲۶-۳۸.
- سامی، علی، (۱۳۶۳)، *شیراز شهر جاویدان*، شیراز: نوید شیراز.
- صحراگرد، مهدی، (۱۳۸۷)، *مصحف روشن*، تهران: فرهنگستان هنر.
- عمادالسلطنه، (۱۳۸۹)، «روزنامه خاطرات (۱۳۴۳ ق.)»، در «پاره‌های نسخه‌شناسی»، به کوشش ایرج افشار، *نامه بهارستان*، ش. ۱۷، ص. ۲۱۹-۲۲۰.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر، (۱۳۷۷)، *آثار عجم*، ج. ۲، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- قاضی احمد قمی، (۱۳۸۳)، *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: منوچهری.
- کرزن، جرج، (۱۳۴۹)، *ایران و قضیه ایران*، ج. ۲، تصحیح غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- کریمی، بهمن، (۱۳۴۴)، *راهنمای آثار تاریخی شیراز*، تهران: اقبال.

وقف‌نامه تعمیر طاق قرآن و قرآن هفده من | ۱۱۳

- گلچین معانی، احمد، (۱۳۴۷)، راهنمای گنجینه قرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شیرازی، محمد معصوم، (۱۳۴۵)، طرائق الحقایق، ج. ۳، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: کتاب فروشی بارانی.
- مصطفوی، محمدتقی، (۱۳۸۲)، اقلیم پارس، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق، (۱۳۸۸)، «ابراهیم سلطان و کتیبه‌نگاری»، ص. ۴۹، ش. ۳۰-۲۱.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق، (۱۳۸۹)، «قرآن هفده من»، نامه بهارستان، ش. ۱۷، ص. ۲۳۳-۲۳۸.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق، (۱۳۹۶)، مصحف ابراهیم: منتخب سوره‌های قرآن کریم به خط ابراهیم سلطان، شیراز: دانشنامه فارس.
- نواب شیرازی، علی‌اکبر، (۱۳۷۱)، تذکره دلگشا، تصحیح منصور رستگار فسایی، شیراز: نوید شیراز.

